

یادداشت‌هایی در مورد مطالبات کارگری

۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) فرا رسیده است. روز اعتراض کارگران جهان نسبت به اجحافات نظام سرمایه داری. از نخستین روز جشن اول ماه مه؛ پس از سال تظاهرات کارگران ۱۸۸۶ در شهر شیکاگو که توسط پلیس به خون کارگران کشیده شد، این روز مورد انزجار دولت های سرمایه داری قرار گرفته است. در ایران در سال ۱۳۲۵ که شرایط سیاسی کشور مساعدتری بوجود آمده بود، حدود ۲۵۰ هزار کارگر در تظاهرات روز اول مه، شرکت کردند و در خیابانها دست به اعتراض زدند. اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد، برگزاری این جشن کارگری با سرکوب و ارباب همراه بوده است. رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند پیش کسوت های خود، از برگزاری این روز جهانی کارگری اظهار نارضایتی می کند. برای نمونه فاطمه کروی معاون اجتماعی - فرهنگی وزیر کار درباره راهپیمایی روز جهانی کارگر، اظهار داشت: «وزارت کار هیچ برنامه‌ای برای راهپیمایی کارگران در این روز ندارد و به دلیل همزمانی روز جهانی کارگر با ایام سوگواری ماه صفر، در این روز مراسم دیدار و تجدید بیعت کارگران با مقام رهبری در نظر گرفته شده است» (ایسنا ۳۰ فروردین ۱۳۸۲). دکتر کاظم نجفی علمی مدرس دانشگاه امام صادق نیز معتقد است تضادهای کارگر و سرمایه دار مربوط به «نظام سرمایه داری غرب» است و «در نظام اسلامی اصولاً تضاد منافع بین کارگر و حکومت وجود ندارد» و در نتیجه ضرورتی به تظاهرات اول ماه مه در ایران نیست (ایسنا، اول اردیبهشت ۱۳۸۲).

بدیهی است که مدافعان نظام سرمایه داری در ایران، یا تصور می کنند کارگران از وضعیت وخیم خود بی خبرند؛ و یا آگاهانه دست به عوامفریبی و اشاعه اکاذیب

کارگران به حق به تظاهرات و اعتصاب‌ها برای گرفتن حقوق اولیه خود نیاز داشته و چنین نیز کرده‌اند. برای نمونه روز چهارشنبه ۲۸ فروردین هزاران تن از کارگران در بهشهر دست به تظاهرات زدند. این حرکت بدنبال ۱۰ روز حرکت و مبارزه کارگران چیت بهشهر در اعتراض به دستمزدهای معوقه صورت گرفت. اهمیت این حرکت اعتراضی کارگران نساجی در این شهر در حمایت گسترده مردم شهر از اعتراض کارگران بود.^۱ با وجود حمله نیروهای انتظامی به صف تظاهرات کارگران و شلیک گاز اشک‌آور و درگیری میان کارگران و نیروهای انتظامی، فضای اعتراضی در شهر ادامه یافت. کارگران اعلام داشتند که تا وقتی به خواست‌هایشان پاسخ داده نشود دست از اعتراض بر نمی‌دارند. شعار بدست‌گیری اداره کارخانه بدست خود کارگران، توسط برخی از کارگران طرح شد. حرکت اعتراضی کارگران بهشهر در شرایطی روی می‌دهد که در همین یک ماهه اخیر بدنبال اعلام میزان حداقل دستمزدها در سال ۸۲ و ارائه ۱۶ درصد افزایش دستمزدها زمزمه‌های اعتراض در کارخانجات بلند شده است. در این تظاهرات "همه مردم" (به گفته دبیر خانه کارگر مازندران در همان مصاحبه - ۳۰ هزار نفر) شرکت داشتند. در اظهارات فرماندار (و اینلنا) خبر از بستن بازار، و بهم ریختن کل شهر شده است. سوت‌های کارخانه: سوت اول (فراخوان به جمع شدن)، سوت دوم (آماده باش برای حرکت) و سوت سوم (حرکت تظاهرات به مرکز شهر)؛ نشانگر سازماندهی کارگری برای بسیج مردم شهر بود.

آیا واقعاً این واقعه بیانگر عدم وجود «تضاد منافع بین کارگر و حکومت» است؟ در همین دو هفته اخیر نیز فضای اعتراض و حرکت و مبارزه هر روزه کارگران وجود

^۱ - لازم به ذکر است کارخانه ۷۰ ساله بهشهر در سال ۷۳ به بخش خصوصی واگذار شد که بخش خصوصی به دلیل بدهکاری چندین میلیارد تومانی، کارخانه را رها کرده و قریب ۱۸۰۰ نفر کارگر این واحد صنعتی تولیدی سالهاست که بلا تکلیف و سرگرداند. این کارخانه با ۳۰۰۰ کارگر روزانه ۱۲۰ هزار متر پارچه تولید می‌کرد.

مشاهده شده است: کارگران کارخانه کفش شادانپور-۸۰۴ کارگر حقوق یک سال را دریافت نکرده اند- کارگران کارخانه جامکو؛ بارش اصفهان و صدها کارخانه و کارگاه دیگر^۲.

تحولات نوین در نظام سرمایه داری و جنبش کارگری

سرمایه داری جهانی برای انتقال سرمایه های خود به ایران و اعمال استثمار مضاعف بر کارگران، امنیت سرمایه و ضمانت اجرای قوانین بین المللی را طلب می کند. تدارک برای این زمینه سازی ها و تسهیلات، از سالهای پیش آغاز شد؛ اما تا سال پیش به فرجام نرسید. بیست و سه سال پس از انقلاب ایران، قانون جدید سرمایه گذاری خارجی ایران که با اختلاف نظرهای بسیار شورای نگهبان و مجلس همراه شده بود، در «مجمع تشخیص مصلحت نظام» مطرح شد و مجمع در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۱ این قانون را تصویب کرد. همزمان با این تصمیم مشترک از سوی هردو جناح هیئت حاکم، دول غربی اقدامات خود نسبت به ایران را آغاز کردند. در اجلاس ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ (۲۷ خرداد ۱۳۸۱) سران ۱۵ کشور اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ، رسمیت یافت و دوره اول مذاکرات رسمی از دسامبر ۲۰۰۲ آغاز شد. سپس دور دوم مذاکرات رژیم، به نمایندگی محمد حسین عادل (معاون اقتصادی وزارت امور خارجه) و «کریس پترن» کمیسر امور خارجه اتحادیه اروپایی، در خصوص موافقت نامه های تجارت و همکاری اقتصادی در ۱۶ بهمن ۱۳۸۱ در بروکسل انجام شد و تا امروز ادامه یافته است. در پی این تحولات نوین؛ محمد خزاعی، رئیس کل «سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی»، اعلام کرد که

^۲- رجوع شود به «کارنامه کارگری» ۱۳۸۱؛ از انتشارات «شبکه همبستگی کارگری - ایران» <http://iwsn.topcities.com/farsi.htm>

در یافت کرده که این رقم از قراردادهای ۱۰ سال گذشته بیشتر بوده است.^۳

اختلافات درونی هیئت حاکم در مقابل تدارک این زمینه ریزی همه کاهش یافته اند. تغییرات اخیر در «قانون کار» و حذف کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، مورد توافق هر دو جناح هیئت حاکم قرار گرفته است. جهت گیری اخیر ۱۵ دولت اروپایی در برسمیت شناختن ایران به مثابه یک کشور «امن» و برقراری پیمان های اقتصادی با دولت ایران و همزمان با آن ظهور نا بهنگام «سازمان بین المللی کار»^۴ و برای نخستین بار گشایش دفتر رسمی آن در ایران (بنا برگرفته اخیر فاطمه کروی، ایسنا ۳۰ فروردین ۱۳۸۲) همه در راستای زمینه ریزی برای استثمار مضاعف کارگران.

در چنین وضعیتی؛ کارگران ایران و به ویژه کارگران پیشرو (رهبران عملی طبقه کارگر) می باید صف بندی و راه حل های مستقل و درازمدت خود را طراحی و سازماندهی کنند. در پهنای یک سال پیش، اعتراضات بسیار وسیع و از لحاظ مبارزاتی متنوع، توسط کارگران ایران سازمان یافته است: اعتراض ها، تحصن ها، راهپیمایی ها، تجمع ها، اعتصاب های غذا، جاده بندی ها و مختل کردن ترافیک و همچنین و از همه مهمتر اعتصابات کارگری.^۵ گرچه به علت وضعیت وخیم عینی طبقه کارگر: عدم وجود امنیت کار و مشاغل، اختناق، سرکوب، کشتار، تبلیغات ضدکارگری نهادهای دولتی مانند «خانه کارگر» و «کانون عالی شورای های

۳- روزنامه اقتصادی آسیا، ۱۶ بهمن ۱۳۸۱

۴- رجوع شود به: ملاحظاتی بر «فراخوان بین المللی در دفاع از حقوق کارگران ایران»،

«سازمان بین المللی کار» و «قانون کار»

http://www.kargar.org/kargaran/farakhan_kargari.pdf

۵- رجوع شود به «کارنامه کارگری» ۱۳۸۱؛ از انتشارات «شبکه همبستگی کارگری -

ایران» <http://iwsn.topcities.com/farsi.htm>

اما؛ زمینه ریزی های اخیر دولت و جذب سرمایه های خارجی به ایران؛ به نوبه خود تغییراتی در وضعیت کارگران ایجاد خواهد کرد. احیای یک نظام سرمایه داری «مدرن» و «اصلاح طلب»، مرتبط به سیاست های بانک های جهانی و نظام سرمایه داری جهانی، به مفهوم سرازیر شدن فراتر سرمایه های خارجی و همچنین دلارهای سرمایه داران ایرانی مقیم خارج، به ایران خواهد بود. سرمایه دارهای خارجی که سالها در انتظار سرمایه گذاری های کلان در صنایع ایران بوده و به علت عدم تضمین سرمایه توسط رژیم، سرمایه های خود را در خارج از مرزهای ایران متمرکز کرده بودند، در دوره آتی با وارد کردن وسایل یدکی، تعلیم دادن تکنیسین ها و تکنوکرات ها، مدیران حرفه ای، وارد صحنه بکر اقتصادی ایران خواهند شد.

به گردش افتادن چرخ های کارخانجات، همراه است با اشتغال کارگران در سطحی عالی تر و منظم تر از گذشته. با اشتغال کارگران، به تدریج نا اطمینانی و نا امنی شغلی (ترس از دست دادن شغل) در میان کارگران کاهش یافته، و این روند به نوبه خود تا حدودی اعتماد به نفس در میان کارگران را تقویت خواهد کرد. اما؛ این روند به اینجا خاتمه نخواهد یافت. سرمایه داری نوپا و مدرن که سالهای سال به علل عوامل مختلف نظیر جنگ؛ سرکوب، سیاستهای اشتباه اقتصادی و ندانم کاری های سران رژیم (به ویژه جناح اقتدار گرا) از معرکه عقب افتاده است، برای جبران عقب افتادگی، مجبور به اعمال شدت «کار» خواهد شد. ماشین آلات نوین و پیشرفته، مدیران تحصیلکرده و وارد به امور مدیریت، برنامه ریزی های عقلایی اقتصادی، شدت کار را در میان کارگران افزایش داده و در نتیجه کارگران را محکوم به تحمل

^۱ طبقه کارگر ایران در سالی که گذشت، تشکل شماره ۲۲،

برای نخستین بار در بیش از دو دهه حاکمیت سرمایه داری، تضاد «کار» و «سرمایه» به شکل ملموس تر و مشخص تر از پیش ظاهر می گردد. همچنین ابزار کار، هم سرمایه داران و هم کارگران نیز تغییر خواهد کرد. اگر در گذشته تحمیل یک «قانون کار» قرون وسطی ای همراه با سرکوب عریان کارگران بخشی از سیاست رژیم بود؛ در دوره آتی، «قانون کار» نوین ظاهراً مترداف با قوانین و عرف های بین المللی تدوین می گردد. به سخن دیگر، اگر در دوره پیش گردن کارگران را با شمشیر قطع می کردند، در دوره آتی «سر» کارگران با پنجه بریده خواهد شد. برای مقابله با چنین وضعیتی است که کارگران پیشرو بایستی خود را از هم اکنون آماده کنند. از اینرو بررسی مطالبات کارگری حائز اهمیت است.

مطالبات محوری کارگران برای

مقابله با تهاجم نوین سرمایه داری

مطالبات کارگری را نمی توان بصورت تصنعی و فرمول وار به طبقه کارگر تحمیل کرد.^۷ حد اقل نطفه های آن مطالبات بایستی در درون خود جنبش کارگری به نقد شکل گرفته باشند. شعارهای محوری کارگری از یکسو از دل جنبش کارگری ظاهر می گردد و از سوی دیگر نقش تقویت کننده سازماندهی و برنامه ریزی درازمدت در جامعه سرمایه داری را ایفا می کند.

^۷ - سازمان های چپ سنتی اغلب بخشی از برنامه و اهداف خود را به عنوان مطالبات کارگری اعلام کرده و بطور تصنعی آنها را بر کارگران تحمیل می کنند. بدیهی است که این روش از کار نمی تواند مرتبط به شعارهای محوری کارگران باشد.

کارگری» روشن شود. مطالبات عموماً به سه دسته تقسیم می شوند: مطالبات دمکراتیک؛ مطالبات «حداقل» و مطالبات «انتقالی».

اول؛ مطالبات دمکراتیک آن دسته از شعارهایی هستند که الزاماً با سلطه سیاسی بورژوازی در تضاد نیستند، اما حقوق پایه ای کلیه قشرهای تحت ستم را گسترش می دهند. برای نمونه خواست هایی مانند آزادی حق بیان، تشکل و اعتصاب؛ آزادی تأسیس سندیکاها، کارگری؛ آموزش و پرورش مجانی و همگانی؛ لغو قوانین حقوقی و جزایی ارتجاعی؛ برابری کامل زنان و مردان در کلیه سطوح؛ آزادی و احترام به حقوق و حیثیت بشری؛ حق شکایت و دادگاهی کردن هر مقام دولتی توسط هر شهروند و غیره؛ شامل «مطالبات دمکراتیک» هستند.

گرچه مبارزه برای حقوق دمکراتیک همواره یکی از مبارزات عمده کمونیست ها بوده و هست، اما در کشورهای نظیر ایران تحقق چنین خواست هایی، مگر در وضعیت استثنایی، غیر عملی است. زیرا که اختناق حاکم حتی تحقق چنین خواست هایی را نمی تواند برای مخالفان خود در درون هیئت حاکم تحمل کند.^۱ با این وجود، چنین خواست هایی در برنامه و تبلیغات کارگری جای دارند؛ و تبلیغات حول آنها باید صورت پذیرند. زیرا به علت وضعیت اختناق؛ گاهی نیز آن مطالبات به شعارهای محوری کارگران مبدل می گردند.

طرح شعارهای دمکراتیک از این زاویه حائز اهمیت هستند که در وهله نخست کارگران باید این امکان را بیابند که خود را سازمان دهند. بدون سازماندهی تشکیلاتی و سیاسی، کارگران قادر به ایفای نقش انقلابی خود نخواهند بود. و همچنین طی این مبارزات کارگران به ماهیت طبقاتی دولت (و نه صرفاً شکل حکومت استبدادی) پی خواهند برد. علاوه بر اینها، برای آنکه، طبقه کارگر بتواند کلیه

^۱ - زندانی شدن گنجی ها و آعاجری ها نمونه ای از این واقعیت است.

انقلاب سوسیالیستی جلب کند، مطالبات دمکراتیک را باید از «آن» خود کند.

دوم؛ مطالبات سنتاً «حداقل»، که آنها نیز نظام سرمایه داری را نفی نمی کنند. مطالباتی نظیر حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی، بازنشستگی، حق مرخصی با پرداخت دستمزد و غیره از جمله این خواست ها هستند. اهمیت این مطالبات در اواخر قرن نوزدهم بسیار زیاد بود. زیرا که حزب های سوسیال دمکرات می توانستند، برای اصلاحاتی به نفع کارگران دست یابند. اما این خواست ها، امروزه، حتی در کشورهای غربی کمرنگ شده اند، زیرا بورژوازی در حال پس گرفتن بسیاری از «اصلاحات» گذشته است. تحقق این خواست ها در کشورهای نظیر ایران نیز (مانند مطالبات دمکراتیک) یا غیر قابل تحقق اند و یا چنانچه بخشاً تحقق یابند، عمدتاً «اصلاحاتی» به نفع رژیم هستند و نه طبقه ی کارگر. اما علیرغم اینها، مبارزه حول این شعارها نیز ضروری است.

سوم؛ مطالبات «انتقالی» اند که تحقق نهایی آنها مستلزم شکسته شدن چارچوب نظام سرمایه داری است. این مطالبات که شامل شعارهایی مانند افزایش دستمزدها متناسب با تورم، کاهش ساعات کار متناسب با افزایش بیکاری؛ باز کردن دفترهای دخل و خرج شرکت ها، کارخانه ها و بانک ها؛ نظارت مستقیم کارگری برای تدوین قوانین موجود؛ کنترل بر تولید و توزیع و غیره می باشند.

از آنجایی که این مطالبات، در عصر اخیر، در پی هر حرکتی، به محور عملی مبارزات کارگری تبدیل شده است، یکی از پایه های اساسی مطالبات کارگران پیشرو را تشکیل می دهد؛ و برای دوره ای تاریخی در رأس برنامه حزب پیشتاز انقلابی آتی در ایران قرار می گیرد. مطالبات انتقالی از لحاظ کیفی با مطالبات دمکراتیک، جزئی و «حداقل» متفاوت اند، زیرا مطالبات دمکراتیک و حداقل؛ هیچیک نظام سرمایه داری را زیر سوال نبرده و از مطالبات محوری درازمدت طبقه کارگر نمی توانند باشند.

حداقل، فراتر می رود. برخی نیز بر این باورند که با طرح شعار «سرنگونی رژیم»^۹ به تنهایی طبقه کارگر را برای تدارک رودرویی با رژیم آماده می کنند. محققاً این طور نیست! طرح این سرنگونی، بدون طرح شعارهای محوری کارگری صرفاً در سطح تبلیغاتی باقی می ماند. افزایش چند شعار «دمکراتیک» بر شعار «سرنگونی رژیم» نیز طبقه کارگر را برای مبارزه روزمره با رژیم نمی تواند سازمان دهد. تنها یک سلسله از مطالبات مشخص و ملموس انتقالی است، که از آگاهی کنونی طبقه کارگر آغاز شده، آنها را گام به گام برای سرنگونی رژیم می تواند آماده کند.

برنامه طبقه کارگر ترکیبی از مطالبات «حداقل»، «حداکثر» سنتی، «دمکراتیک» و «انتقالی» است. البته در رأس این برنامه مطالبات انتقالی قرار گرفته اند، زیرا که رودرویی روزمره «کار» و «سرمایه» را بطور پیگیر تشدید می کند و وضعیت را برای کسب اhamاد به نفس و نهایتاً تسخیر قدرت توسط طبقه ی کارگر آماده می کند. با این توضیحات اجمالی باید نشان داد که در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲) شعارها اصلی کارگران برای مبارزات دوره آتی کدام می توانند باشند.

بدیهی است که تمام شعارها دمکراتیک، «حداقل» و «انتقالی» به طور یکسان از اهمیت سیاسی برخوردارند؛ اما در عین حال تعیین شعارهایی محوری طبقه کارگر نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا پیرامون این شعارها، کارگران می توانند به یک سلسله تجارب دست یافته و اعتماد به نفس در درون آنها تقویت گردد.

یکی از مطالبات دمکراتیک که در دوره آتی به یکی از مسایل محوری کارگران مبدل می گردد: حق اعتصاب است. درک «اصلاح طلبان» رژیم سرمایه داری و مماشات جویان در درون طبقه کارگر، اینست که اعتصاب در «قانون کار» می تواند گنجانده شود به شرطی که: «آخرین راه حل کارگران باشد و لطمه ای از جانب آن

^۹ - رجوع شود به مواضع سازمان های سنتی مانند «حزب کمونیست کارگری»؛ «سازمان فدائیان اقلیت» و غیره.

به سخن دیگر، مدافعان بورژوازی در درون جنبش کارگری، مسئله اعتصاب کارگری را بشرطی می‌پذیرند که از محتوای واقعی خود خارج گردد. بدیهی است که کارگران نمی‌توانند دست از کار برداشته و اعتصاب کنند و در عین حال به اقتصاد لطمه نزنند؛ بر خلاف نظریه پردازان رژیم، اعتصاب سلاحی اقتصادی و در عین حال سیاسی، در دست کارگران است، برای خارج شدن از مدار قوانین تحمیلی دولت سرمایه داری. اگر قرار باشد که اعتصابات در چارچوب قوانین سرمایه داری و با اجازه کسانی که در حال استثمار کارگران هستند صورت گیرد، دیگر نام آن «اعتصاب» نمی‌شود! اعتصابات کارگری به منظور کسب حقوقی است که سرمایه داران به آن تن نمی‌دهند.

در عین حال، کمیته های اعتصاب می‌توانند نطفه های اولیه قدرت کارگری در مقابل قدرت سرمایه داران را تشکیل دهد. توفیق و شکست یک اعتصاب نشانگر وجود یا عدم وجود قدرت کارگران در جامعه است. ادامه اعتصاب و سراسری شدن آن می‌تواند مسئله قدرت دوگانه (کارگری یا سرمایه داری) را طرح کند. اعتصاب می‌تواند تناسب قوای در سطح سراسری را به نفع کارگران تغییر دهد. اعتصاب می‌تواند مسئله قدرت کارگری و برکناری قدرت بورژوازی را در دستور روز قرار دهد.

گرچه در سال پیش رقم اعتصابات کارگری چشم گیر نبوده اند؛ اما اعتصابات در راستای تحقق خواسته های کارگری اکثراً حول عدم پرداخت دستمزدهای انجام گرفته است. برای نمونه می‌توان از اعتصابات کارگران: کفش ملی؛ جهان چیت؛ بافت

۱۰- جعفر کامبوزیا، اعتصاب حق کارگران است، کار و کارگر، ۱۲ دی ۱۳۸۰

۱۱- حسن صادقی؛ اعتصاب، حق انکار ناپذیر کارگران است، کار و کارگر، ۱۱ دی ۱۳۸۰

نساجی تجارت؛ شرکت واحد کرمانشاه و غیره، یاد کرد.^{۱۲}

در دوره بلاواسطه آتی؛ با ایجاد شرایط مساعدتر مبارزاتی برای کارگران مبارزه در راستای کسب حق اعتصاب به یکی از مطالبات عمده طبقه کارگر تبدیل خواهد شد. مطالبه محوری دیگر (یکی از مطالبات «انتقالی»); اعمال کنترل کارگری است. در جامعه سرمایه داری، از آنجایی که کنترل اکثر امور جامعه در دست طبقه حاکم و دولت و مدیران آنست، کسب تجربه کنترل کارگری تنها می تواند مستقل از تمامی نهادهای وابسته (و افراد و احزاب وابسته) به دولت صورت گیرد. هر دخالت و یا حضور سیاسی و تشکیلاتی عوامل، نهادها و احزاب، این روند را مسدود خواهد کرد. زمانی که تصمیم اینکه چه کالاهایی بایستی تولید شوند؛ چه نوع کارخانه ای تأسیس گردد؛ چه تعداد کارگر استخدام گردد؛ بهای تولیدات چقدر باشد؛ شرایط فروش چگونه باشد؛ دستمزدها و ساعات کار و حقوق مدیران و یا تصمیم پیرامون امکانات رفاهی، جرمیه، پاداش، اخراج و ترفیع رتبه و غیره چقدر باشد..... همه و همه برعهده سرمایه داران و مدیران انتصابی آنها باشد، هیچگاه کارگران تجربه عملی برای اداره امور خود را نخواهند یافت. دخالتهای برخی از کارگران در «مدیریت» طرحهای «خودگردانی» و «مشارکت» نه تنها هیچ تغییری در موقعیت کارگران نمی دهد که امر تجربه کنترل کارگری را به تعویق انداخته و آنها را به اسرای مدیران مبدل می کند.

البته سرمایه داران از این موقعیت ویژه و قدرت مطلق خود برای پیشبرد مقاصد خود، یعنی کسب سود بیشتر، استفاده می کنند. از اینروست که کوچکترین اقدام کارگران مانند کم کاری، کند کاری و یا یک اعتصاب، کل منافع هیئت حاکم را به مخاطره می اندازد. تجربه اعتراض های کارگران کفش شادان پور و پوشاک جامکو

^{۱۲} رجوع شود به «کارنامه کارگری» ۱۳۸۱؛ از انتشارات «شبکه همبستگی کارگری - ایران» <http://iwsn.topcities.com/farsi.htm>

کارگران پیشرو در تقابل با این شیوه ها، محققاً خواهان نظارت و کنترل مستقیم بر کلیه امور تولیدی؛ در جریان قرار گرفتن اسرار معاملاتی سرمایه داران؛ کسب اطلاع در باره دخل و خرج کارخانه؛ اطلاعات در امور وام گیری کارخانه از بانکها داخلی و خارجی؛ میزان دستمزها و حقوق مدیران؛ سود و زیان کارخانه؛ علت اخراج یا ارتقاء کارگران و غیره هستند. سرمایه داران، مدیران و کارفرمایان موظفند که تمام اطلاعات مربوط به کارخانه را در اختیار کارگران قرار دهند. اما چنین نمی کنند. از اینرو مبارزه برای این مطالبات ابتدایی نیاز به سازماندهی مستقل دارد. ایجاد تشکلی که از طریق مبارزه در صدد کسب این حقوق پایه ای بر آید. و توسط شیوه هایی نظیر اشغال کارخانه ها و بدست گرفتن کنترل بر تولید و توزیع، تمام تزویرهای سرمایه داران مبنی ضرردهی کارخانه و توجیه اخراج ها و غیره را بر ملا کند. این تشکل چیزی به جز تشکل مستقل کارگری نمی تواند باشد و همچنین مبارزه حول هر یک از این مطالبات انتقالی مبارزه ای برای کسب تجربه کنترل کارگری می تواند باشد.

در دوره پیش شعار «کنترل کارگری» در بسیاری از موارد توسط کارگران پیشرو طرح شده است. برای نمونه چند ماه پیش کارگران کارخانه کشمیر مطالبه بدست گرفتن امور کارخانه خود را مطرح کردند. مطالباتی نظیر «واگذاری کارخانه ها به کارگران با وام بانکی»^{۱۳} و یا «خود کارگران می توانند واحدهای تولیدی را اداره کنند»^{۱۴} بارها در دوره اخیر ارائه داده شده است. همچنین هفته پیش در اعتراضات کارخانه نساجی بهشهر، شعار بدست گرفتن تولید و توزیع کارخانه بدست خود کارگران؛ در مقابل طرح فروش کارخانه توسط «خانه کارگر»؛ مطرح شد.

^{۱۳} - اطلاعیه شماره ۵ کانون مستقل کارگری، ۲۰ فروردین ۱۳۸۰

^{۱۴} - اطلاعیه شماره ۲۱ کانون مستقل کارگری، ۶ تیر ۱۳۸۰

اشاعه و مبارزه حول این مطالبات راه را برای مقابله با نظام سرمایه داری؛ در دوره آتی؛ هموار می کند.

۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۲

اعتصاب؛ اعتصاب حق مسلم ماست!
«کنترل کارگری» اعمال باید گردد!